

بگوهریک منتظرست پس شما نیز منتظر باشید پس خواهید دانست کیانند اهل راه راست و که راه یافت (۱۳۵) .

سوره انبیاء مکی است و آن یک صلوة و ازده آیت و هفت رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

نزدیک شد به مردمان حساب ایشان و ایشان در غفلت روگردانند (۱) .

نمی آید بایشان هیچ پند از جانب پروردگار ایشان نوپدید آورده مگر بشنوند آن را بازی کنان (۲) .

غافل شده دل های ایشان و پنهان راز گفتند ایشان این ظالمان که نیست این شخص مگر آدمی مانند شما آیا اقبال می کنید سحر و شمامی بینید (۳) .

گفت پیغامبر پروردگار من می داند هر سخنی را که در آسمان و زمین باشد و او شنوا داناست (۴) .

بلکه گفتند این قرآن خواب های پریشان ست بلکه می گویند بر بسته است آنرا بلکه می گویند او شاعرست پس باید که بیارده پیش مانشانه چنان که فرستاده شدند بآن نخستینیان<sup>(۱)</sup> (۵) .

ایمان نیاورده بود پیش از ایشان هیچ دیهی که هلاک کردیم آن را آیا ایشان

قُلْ كُلٌّ مُرْتَبِئٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ  
مَنْ أَضْعَبُ الْقَوَارِطِ السَّيِّئِ وَمَنْ أَهْتَدَى ۝۲۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ  
مُعْرِضُونَ ۝۱

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّكَ مُخَيَّرًا لَهُمْ عَوًّا  
وَهُمْ يَلْعَبُونَ ۝۲

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأَ السَّجُودِ الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا  
إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَتَأْتُونَ السَّحْرَ وَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ ۝۳

قُلْ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝۴

بَلْ قَالُوا أَضْعَافٌ أُحْلَمُ مِنْ قَوْلِهِ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا  
بِآيَةٍ كَمَا آتَىٰ إِبْرَاهِيمَ الْاَوْثُونَ ۝۵

مَا آتَيْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ نَوْءٍ أَهْلَكَهُمْ إِلَّا هُم يُؤْمِنُونَ ۝۶

(۱) مترجم گوید مراد از نشانه عقوبت عام می داشتند مثل طوفان قوم نوح و صرصر قوم هود والله اعلم .

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحي إِلَيْهِمْ فَتَلَوُا أَهْلَ  
الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لِأَعْلَمُونَ ﴿۱۰﴾

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا إِلَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا  
خَالِدِينَ ﴿۱۱﴾

لَمْ نَصِدْقَهُمْ الوَعْدَ فَأَنْجَبْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا  
المُسْرِفِينَ ﴿۱۲﴾

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۳﴾

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا  
قَوْمًا آخَرِينَ ﴿۱۴﴾

فَلْيَا أَحْسَبُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ يَمُرُّونَ ﴿۱۵﴾

لَا تَرْضُونَ وَإِنِ جِئُوا إِلَى مَا اتَّخَفْتُمْ فِيهِ وَوَسَّيْتُمْ  
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۶﴾

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿۱۷﴾

فَمَا زِلْنَا إِلَيْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَبِثِينَ ﴿۱۸﴾

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَابَيْنَهُمَا الْبَعِيثِينَ ﴿۱۹﴾

ایمان خواهند آورد (۶) .

ونه فرستادیم پیش از تو مگر مردان را که  
وحی می فرستادیم بایشان پس بپرسید از اهل  
کتاب اگر شما نمی دانید (۷) .

ونساختیم پیغمران را کالبدی که نخورند  
طعام ونه بودند جاوید باشندگان (۸) .

باز راست کردیم در حق ایشان وعده را  
پس برهانیدیم ایشان را وهر کراخواستیم  
وهلاک کردیم از حد گذرندگان را (۹) .

هر آئینه فر فرستادیم بسوی شما کتابی که  
درو هست پندمایانمی فهمید (۱۰) .

ویسار شکستیم از اهل دیهی که ستمگار  
بودند ونوپیدا ساختیم بعد آن گروه دیگر  
را (۱۱) .

پس چون دیدند عذاب ما ناگهان ایشان  
از آنجا می دویدند (۱۲) .

گفتیم مگریزید وباز روید بسوی مکانی که  
آسودگی داده شد شمارا در آن و بسوی  
خانهای خویش تابود که پرسیده شوید<sup>(۱)</sup>  
(۱۳) .

گفتند ای وای ما را هر آئینه بودیم ستمگار  
(۱۴) .

پس همیشه این بود گفتار ایشان تا وقتی که  
گردانیدیم ایشان را مثل زراعت دروده  
شده مانند آتش فرو مرده (۱۵) .

ونیافریدیم آسمان وزمین را آنچه

(۱) یعنی بغم خوارگی قوم احوال شما پرسند .

در میان آنهاست بازی کنان (۱۶) .

اگر می خواستیم که بسازیم بازیچه<sup>(۱)</sup> هر آئینه می ساختیم آن را از نزدیک خویش اگرکننده می بودیم<sup>(۲)</sup> (۱۷) .

بلکه می افکنیم حق را بر باطل پس سرش می شکند پس ناگهان باطل نابود شود و وای شماراست از آن چه بیان می کنید (۱۸) .

و اوراست آنکه در آسمان هاوزمین ست و آنانکه نزدیک اویند<sup>(۳)</sup> سرکشی نمی کنند از عبادت او و مانده نمی شوند (۱۹) .

تسبیح می گویند شب و روز سستی نمی نمایند (۲۰) .

آیا این چنین معبودان گرفته اند از امتعه زمین<sup>(۴)</sup> که ایشان را بعد موت بازبرانگیزانند<sup>(۵)</sup> (۲۱) .

اگر بودی در آسمان و زمین خدایان چند غیر خدا هر دو تباه گشتندی پاکی خدائراست خداوند عرش از آنچه صفت

لَوَارِدًا أَنْ تَعْبُدَ لَهُمُ الْآلِهَةَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ كُنَّا فُجُورًا ۝

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۝  
وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِنْ مِمَّا تَصِفُونَ ۝

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ  
عَنْ عِبَادَتِهٖ وَلَا يَسْتَحْسِرُوْنَ ۝

يُسَبِّحُوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُوْنَ ۝

أَمْ أَعْبَدُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُبْعَثُونَ ۝

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحٰنَ اللَّهِ رَبِّ  
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝

(۱) یعنی زن و فرزند .

(۲) یعنی مجرد می بودند و این مناقضه لطیفه است حاصل آنکه در رسل این استبعاد جاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن رادر تنزیه از زن و فرزند می توان تقریر کرد که اگر خدا را زن و فرزند می بودند مجرد و واجب الوجود جامع اوصاف کمال می بودند و الله اعلم .

(۳) یعنی ملا اعلی .

(۴) یعنی از ذهب و فضه .

(۵) مراد از این کلام درست بر عبادت اصنام .

می کنند (۲۲) .

پرسیده نمی شود خدا از آنچه می کند  
وایشان پرسیده می شوند (۲۳) .

ایامعبودان گرفته اند بجز خدا بگویارید  
دلیل خود را اینست کتاب آنانکه بامن اند  
واینست کتاب آنانکه پیش از من بودند  
بلکه اکثر ایشان نمی دانند حق را پس  
ایشان روگرداندند (۲۴) .

ونه فرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری  
الآوحی می فرستادیم بسوی وی که  
نیست هیچ معبود برحق غیر من پس  
پرستش من کنید (۲۵) .

وگفتند فرزند گرفته است خدا پاکی  
اوراست بلکه آنانکه درحق ایشان این  
زعم دارند بندگان گرامی اند (۲۶) .

پیش دستی نمی کنند برخدا بهیچ سخن  
وایشان بفرمان وی کارمی کنند (۲۷) .

میداند خدا آنچه درپیش روی ایشان ست  
وآنچه پس پشت ایشان ست وشفاعت  
نمی کنند الّبرای کسیکه خداخوشنودشده  
است وایشان از ترس خدا مضطربانند  
(۲۸) .

وهرکه بگوید ازایشان که من خدایم  
بجز خدا سزا دهیم او را دوزخ همچین  
سزای دهیم ستمگاران (۲۹) .

آیا نه دیدند کافران که آسمان ها وزمین  
بسته بودند پس وا کردیم این هارا<sup>(۱)</sup>

لَا يَسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ ﴿۳۱﴾

أَرَأَيْتُمْ أَكْفَرًا مِّنْ دُونِهَا قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ  
هَذَا إِذْ كُرِمْنَا سَبِيًّا وَوَكُرِمْنَا قَبْلَ ذَلِكَ كُرْمًا

لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۳۲﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿۳۳﴾

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ بَلْ عِبَادٌ  
مُّكْرَمُونَ ﴿۳۴﴾

لَا يَسْتَفْقِحُونَ بِالْقَوْلِ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۳۵﴾

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ  
بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِ رَبِّهِمْ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ  
وَلَمْ يَئُودْهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۳۶﴾

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلٰهٌ مِّنْ دُونِهِ فَلْيَنْكُرْ لِيَّ جَهَنَّمَ  
كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِينَ ﴿۳۷﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ

(۱) مترجم گوید وا کردن آسمان ها نازل کردن مطرست ووا کردن زمین رویانیدن گیاه=

و پیدا کردیم از آب هر چیز زنده را آیا ایمان  
نمی آرند (۳۰) .

و پیدا کردیم در زمین کوه ها از برای احتراز  
از آنکه بجنابند ایشان را و پیدا کردیم  
در آنجا کشاده راه ها تا بود که ایشان راه  
یابند (۳۱) .

و ساختیم آسمان را سقفی نگاه داشته  
شده و ایشان از نشان های آسمان  
رگردانند (۳۲) .

و اوست آنکه آفرید شب و روز را  
و خورشید را و ماه را هر یکی از ستارها  
در آسمانی شناسی کنند (۳۳) .

و ندادیم هیچ آدمی را پیش از تو همیشه  
بودن آیا اگر تو بمیری ایشان همیشه  
باشند گانند (۳۴) .

هر شخص چشنده مرگ است و مبتلامی  
کنیم شمارا بسختی و آسودگی بطریق  
امتحان و بسوی ما بازگردانیده شوید  
(۳۵) .

و چون بینند ترا کافران نمی گیرند ترا مگر  
به تمسخر می گویند آیا این شخص است  
که یادمی کند (یعنی باهانت) معبودان  
شمارا و ایشان یاد خدا را منکر اند (۳۶) .

آفریده شد آدمی از شتاب<sup>(۱)</sup> خواهم  
نمود شما را نشانهای خویش پس شتاب

كَانَتْ رَتْقًا فَتَفْتَقَهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ  
أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۰﴾

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تُمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا  
فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿۳۱﴾

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ  
آيَاتِهِ مُعْرِضُونَ ﴿۳۲﴾

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ  
فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿۳۳﴾

وَمَا جَعَلْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَأَنْ تَمُرَّ  
فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿۳۴﴾

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِعَةٌ الْمَوْتِ وَتَبْلُوكُم بِالنَّارِ وَالْخَيْرِ  
فِتْنَةٌ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿۳۵﴾

وَإِذَا رَأَوْا الَّذِي يَنْفَرُونَ كَفَرُوا وَإِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهْدَى  
الَّذِي يَذُكُرُ الْهَتَاكُم وَهُمْ يَذُكُرُونَ الرَّحْمَنُ هُمْ كَافِرُونَ ﴿۳۶﴾

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿۳۷﴾

= از روی .

(۱) این کنایات است از غلبه استعجال بر آدمی والله اعلم .

طلب مکنید از من (۳۷) .

ومی گویند کی خواهد بود این وعده اگر راست گو هستید (۳۸) .

اگر بدانند کافران صورت حال آن وقت که باز نتوانند داشت از روی رویهای خویش آتش را ونه از پشت های خویش ونه ایشان نصرت داده شوند (چنین نه گفتندی) (۳۹) .

بلکه بیاید بایشان قیامت ناگهان پس حیران گرداند ایشان را پس نتوانند دفع کردن ان و نه ایشان مهلت داده شوند (۴۰) .

وهر آئینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش از تو پس در گرفت با آنانکه تمسخر کردند از ایشان آنچه بان استهزا می کردند (۴۱) .

بگو که نگهبانی می کند شمارا شب و روز از عقوبت خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روگردان اند (۴۲) .

آیا ایشان را معبوداند غیر ماکه نگاه می دارند ایشان را از مصائب نمی توانند نصرت دادن خویش را ونه ایشان از عقوبت ما به جمعیت خود محفوظ مانند (۴۳) .

بلکه بهره مند ساخته ایم ایشان را و پدران ایشان را تا وقتی که دراز شد برایشان مدت عمر آسانی بینند که مادر گرفت می کنیم زمین دار الحرب را می کاهیم آن را از جوانب آن آیا ایشان غلبه

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٧﴾

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُبْصَرُونَ ﴿٣٨﴾

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٣٩﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَاهُم بُرْهَانَ مِن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالذِّمِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤٠﴾

قُلْ مَنْ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَأْتِيهِمُ الْيَوْمَ مِنَ الرِّحْمِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤١﴾

أَلَمْ لَهُمُ الْهَمَّةُ نَسَعَهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِتَّائِحُونَ ﴿٤٢﴾

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَاَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٣﴾

کنندگانند<sup>(۱)</sup> (۴۴) .

بگوجزاین نیست که می ترسانم شمارا  
بمضمون وحی ونمی شنوند کران آواز  
خواندن را چون ترسانیده می شوند (۴۵) .

و اگر رسد بایشان اندکی از عقوبت  
پروردگار تو هرآئینه گویند ای وای مارا  
هر آئینه ما بودیم ستمگاران (۴۶) .

ودرمیان نهم ترازوی عدل را روزقیامت  
پس ستم کرده نشود برهیچ کس هیچ  
چیز و اگر باشد عمل هم سنگ دانه  
سپندان حاضر کنیم آن را وماحساب  
کننده بسیم (۴۷) .

وهرآئینه دادیم موسی وهارون را کتاب  
فیصله کننده وروشنی وپندی  
پرهیزگاران را (۴۸) .

آنانکه می ترسند ازپروردگار خویش  
غائبانه وایشان ازقیامت ترسندگانند  
(۴۹) .

واین قرآن پندی هست بابرکت  
فروفرستادیم آن را آیا شما بآن منکر اید  
(۵۰) .

وهرآئینه دادیم ابراهیم را راه یابی او  
پیش ازین وبودیم باحوال اودانا (۵۱) .

چون گفت پدرخودرا وقوم خودراچیست  
این صورت ها که شما برآن مجاورت  
دارید (۵۲) .

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمْعُ الذُّعَاءَ  
إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿۴۴﴾

وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يُوَيْلَنَا  
إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۴۵﴾

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ  
شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا  
بِهَا وَلَكِنْ يَتَأَحْسِبُونَ ﴿۴۶﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْكِتَابَ وَزَيَّنَّا  
لَهُمَا الْقُرْآنَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمَا  
الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ  
مُشْفِقُونَ ﴿۴۸﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ  
عَالِمِينَ ﴿۵۱﴾

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا  
عَٰقِبُونَ ﴿۵۲﴾

(۱) یعنی باسلام اسلم وغفاریش ازهجرت .

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عِبِدِينَ ﴿۵۳﴾

گفتند یافتیم پدران خود را آن را پرستنده  
(۵۳) .

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَالْآبَاءُ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۵۴﴾

گفت هر آینه بودید شما و پدران شما  
در گمراهی ظاهر (۵۴) .

قَالُوا آجْمِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿۵۵﴾

گفتند آیا آوردی بما سخن راست رایاتو  
از بازی کنندگانی (۵۵) .

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي

گفت بلکه پروردگار شما خداوند آسمان  
ها و زمین است آنکه آفرید این هارا و من  
براین سخن از گواهانم (۵۶) .

قَطَّرَهُنَّ ۗ وَآنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿۵۶﴾

وَ تَأْتِيهِمْ لَكَيْدًا أَصْنَامُهُمْ بَعْدَ أَنْ قُولُوا مَدْيُونًا ﴿۵۷﴾

و بخدا قسم که البته بدسگالی کنم بتان  
شمارا بعد از آن که رو بگردانید پشت داده  
(۵۷) .

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَيْبَرًا لَهُمْ لَعَالَهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿۵۸﴾

پس ساخت آنها را ریزه ریزه مگر بت  
بزرگ را از ایشان تابود که بسوی او ایشان  
باز گردند (۵۸) .

قَالُوا مَنْ قَعَلْ هَذَا يَا هَيِّتْ آيَاتَهُ لِنَا لِنَمُنَّ ﴿۵۹﴾

گفتند که کرده است این کار بمعبودان  
ماهر آینه وی ازستمگاران ست (۵۹) .

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿۶۰﴾

گفتند شنیدیم جوانی را که ذکر بتان  
میگرد یعنی عیب می کرد گفته می شود  
اورا ابراهیم (۶۰) .

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ آيَاتِهِ النَّاسِ لَعَالَهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿۶۱﴾

گفتند بیارید اورا بحضور چشمهای  
مردمان تابود که ایشان گواهی دهند  
(۶۱) .

قَالُوا آءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا يَا هَيِّتْ آيَاتِ إِبْرَاهِيمَ ﴿۶۲﴾

گفتند آیا تو کردی این کار بمعبودان ما  
ای ابراهیم (۶۲) .

قَالَ بَلْ فَصَلَّاهُ ۗ كَيْبَرُهُمْ هَذَا قَسُوا لَهُمُ

گفت بلکه کرده است آن را این بت بزرگ  
ایشان پس سوال کنید از بتان اگر سخن  
می گویند (۶۳) .

إِنْ كَانُوا يَنْظُرُونَ ﴿۶۳﴾



پس رجوع کردند بخویشتن پس گفتند  
بایکدیگر هرآئینه شمااید ستمگار (۶۴) .

پس نگوئسار شدند برسر خویش (واین  
کنایت ست ازملزم شدن) هرآئینه تومیدانی  
که ایشان سخن نمی گویند (۶۵) .

گفت آیا عبادت می کنید بجز خداچیزی  
را که هیچ نفع نمی رساند بشما وزیان  
نکند شمارا (۶۶) .

ناخوشی است بشما وبآنچه شمامی  
پرستید بجز خدا آیانمی فهمید (۶۷) .

بایک دیگر گفتند که بسوزانید اورا و  
نصرت دهید خدایان خودرا اگر کننده  
اید<sup>(۱)</sup> (۶۸) .

گفتیم ای آتش سردشو وسلامتی باش  
برابراهیم (۶۹) .

و خواستند باو فریب کردن پس ساختیم  
ایشان را زیان کار تر (۷۰) .

وبرهانیدیم ابراهیم را و لوط را بسوی  
زمینی که برکت نهادیم درآن عالم هارا<sup>(۲)</sup>  
(۷۱) .

وعطا کردیم اورا اسحق وعطا کردیم  
اورایعقوب که نبیره ابراهیم بود وهر یکی  
راساختیم نیکوکار (۷۲) .

ویشوا گردانیدیم ایشان را راه می  
نمودند بفرمان ما ووحی فرستادیم بسوی

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۶۴﴾

ثُمَّ نَكِبَ الْأَعْلَىٰ لَهُمْ أَفَلَا يَعْلَمُونَ ﴿۶۵﴾

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَفْعَلُكُمْ شَيْئًا  
وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿۶۶﴾

أَيُّ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ  
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۶۷﴾

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنْتُمْ فاعِلِينَ ﴿۶۸﴾

قُلْنَا إِنَّا لَنُؤْتِيهِ بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿۶۹﴾

وَأَمَّا لُوطُ بِه كَيْدًا أَفَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿۷۰﴾

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا  
فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿۷۱﴾

وَوَهَبْنَا لَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا  
صَالِحِينَ ﴿۷۲﴾

وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يُهَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فَعَلِ

(۱) القصه درآتش انداختند .

(۲) یعنی سرزمین شام .

ایشان کردن نیکوئیها و برپاداشتن نماز و دادن زکوة و بودند مارا عبادت کنندگان (۷۳).

ولوط را دادیم حکمت و علم و برهانیدیم اورا از دیهی که می کرد کارهای ناپاک هرآئینه ایشان بودند قوم بد گنهگار (۷۴).

و درآوردیم اورا برحمت خویش هرآئینه وی بود از شائسته کاران (۷۵).

و یاد کن نوح را چون ندا کرد پیش ازین پس قبول کردیم دعای اورا پس خلاص کردیم اورا و کسان اورا از اندوه بزرگ (۷۶).

و نصرت دادیم اورا بر قومی که دروغ شمردند آیات مارا هرآئینه ایشان بودند گروهی بد پس غرق کردیم ایشان را همه یکجا (۷۷).

و یادکن داؤد و سلیمان را چون حکم کردند درباب زراعت چون بوقت شب چراگرد درآن گوسفندان گروهی و بودیم برحکم ایشان حاضر<sup>(۱)</sup> (۷۸).

پس فهمانیدیم طریق فیصله کردن خصومت سلیمان را و هر یکی را داده

الْحَيْرِتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا تَاغِيِبِينَ ﴿۷۳﴾

وَلَوْطًا اتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغُرَيَّةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْفَبْثَاتِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَيُؤْتِينَ ﴿۷۴﴾

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۷۵﴾

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ مَبْلُ فَاَسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿۷۶﴾

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۷۷﴾

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمُونَ فِي الرِّبَا إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ عَظْمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿۷۸﴾

فَفَقَّمْنَاهُمَا حِلًّا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا

(۱) یعنی گوسفند ان قومی در زراعت قومی دیگر بوقت شب در آمدند و چرا کردند داؤد علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفند ان عوض زراعت سلیمان حکم کرد این قوم را باصلاح زراعت و آن قوم را بانتفاع از شیر غنم تا وقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان اصوب بود والله اعلم .

بودیم حکمت و دانش و مسخر گردانیدیم  
با داؤد کوه ها را که با او تسبیح می گفتند  
و مرغان را نیز مسخر ساختیم و ما بودیم  
کننده (۷۹) .

و پیاموختیم او را ساختن لباسی برای شما  
که نگاه دارد شمارا از ضرر کارزار شما<sup>(۱)</sup>  
پس آیا هستید شکر کننده (۸۰) .

و مسخر ساختیم برای سلیمان  
باد تند و زنده می رفت بفرمان وی بسوی  
زمینی که برکت نهادیم در آن (یعنی شام)  
و بودیم بهره چیز دانا (۸۱) .

و مسخر ساختیم از دیوان جماعتی را که  
غواصی می کردند برای وی و می کردند  
کاری غیر آن نیز و بودیم ایشان را نگاه  
دارنده (۸۲) .

و یادکن ایوب را چون ندا کرد بجناب  
پروردگار خویش بآنکه مرا رسیده است  
رنج و تو مهربان ترین مهربانانی (۸۳) .

پس قبول کردیم دعای او را پس دور ساختیم  
آنچه باوی بود از رنج و عطا کردیم  
او را فرزندان او و مانند ایشان همراه ایشان  
بسبب مهربانی از نزدیک خویش و تاپندی  
بود عبادت کنندگان را (۸۴) .

و یادکن اسمعیل را و ادریس را و ذوالکفل  
را هر یکی از صبر کنندگان بود (۸۵) .

و در آوردیم ایشان را در رحمت خود  
هر آئینه ایشان از نیکوکاران بودند (۸۶) .

مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالِ يُسَبِّحُنَ وَالطَّلِيذِ وَكُنَّا فاعِلِينَ ④

وَعَدْنَاهُ صِنْعَةَ اَيُّوبَ لَكُمْ لِنُحْصِنَكُمْ  
مِنْ بَابِكُمْ فَهَلْ اَنْتُمْ شَاكِرُونَ ⑤

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِاَمْرِهِ اِلَى الْاَرْضِ  
الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِشَيْءٍ غَلِيظٍ ⑥

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَفُوضُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا  
دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ⑦

وَايُّوبَ اِذْ تَاذَى رَبَّهُ اَنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَاَنْتَ  
اَرْحَمُ الرَّحِمِينَ ⑧

فَاَسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّهِ وَاَتَيْنَاهُ اَهْلَهُ  
وَ وَاَمْثَلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذَكَرُوا  
لِلْمُعِدِّينَ ⑨

وَاسْمَاعِيلَ وَاِدْرِيسَ وَذَالِ الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ ⑩

وَادْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا اِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ ⑪

(۱) یعنی ساختن زره .

و یادکن ذوالنون را چون رفت خشم خورده<sup>(۱)</sup> پس گمان کرد که تنگ نگیریم بروی<sup>(۲)</sup> پس ندا کرد در تاریکی ها بآن که هیچ معبود بحق نیست غیر تو پاکی تراست هرآئینه من بودم ازستمگاران (۸۷) .

پس قبول کردیم دعای او را و نجات دادیمش از غم و همچنین نجات می دهیم مسلمانان را (۸۸) .

و یادکن زکریا را چون ندا کرد بجناب پروردگار خود ای پروردگار من مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی (۸۹) .

پس قبول کردیم دعای او را و بخشیدیم او را یحیی و نیکو ساختیم برای اوزن او را هرآئینه این پیغامران شتاب می کردند در نیکی ها و می خواندند ما را بتوقع و خوف و بودند برای ما نیاز مند (۹۰) .

و یادکن زنی را که بعفت نگاه داشت شرمگاه خود را پس دمیدیم در آن روح خود را و ساختیم او را و پسر او را نشانه برای عالمها (۹۱) .

گفتیم هرآئینه اینست ملتِ شما ملت یکتا و من پروردگار شما ام پس عبادت من کنید<sup>(۳)</sup> (۹۲) .

و متفرق شدند امت هادِر کار خود<sup>(۴)</sup>

وَذَا النُّونِ إِذْ ذُهِبَ مُغَاضِبًا أَفْظَنَ أَنْ كُنَّ تَقْدِيرَ عَلَيْهِ  
فَتَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ  
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ  
نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۸﴾

وَذَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا  
وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿۸۹﴾

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ  
إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا  
رِعْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا السَّاجِدِينَ ﴿۹۰﴾

وَالَّتِي أَحْصَيْتُ فَرَجَهَا فَمَنْعَتَا فِيهَا مِنْ دُونِنَا  
وَجَعَلْنَاهَا وَابِنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿۹۱﴾

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً  
وَآتَانَاكُمْ فَأَعْبُدُونِ ﴿۹۲﴾

وَنَقَطُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلَّ إِلَيْنَا رُجُوعًا ﴿۹۳﴾

(۱) یعنی بر قوم خود بغیر اذن الهی و الله اعلم .

(۲) القصه حوت او را بخلق درکشید .

(۳) یعنی اصل دین واحد است و اختلاف در فروع می باشد .

(۴) یعنی در اصل دین .

در میان خویش هر يك بسوی مراجوع  
کنندگان اند (۹۳) .

پس هر که بکند از جنس کارهای شائسته  
و اومومن باشد پس ناقبولی نه بود سعی  
اورا و هر آئینه برای اومی نویسیم (۹۴) .

و محال است بر هر دیهی که هلاک کردیم  
اورا آنکه بازگردند (یعنی بدینا) (۹۵) .

تا وقتیکه کشاده شود قیدیا جوج و ماجوج  
و ایشان از هر بلندی بشتابند (۹۶) .

و نزدیک برسد وعده راست پس ناگهان  
حال اینست بالادوخته شود چشم های  
کافران گویند وای بر ما هر آئینه در غفلت  
بودیم ازین حال بلکه بودیم ستمگار  
(۹۷) .

هر آئینه شما و آنچه می پرستید بجز خدا  
یعنی بتان آتش انگیز دوزخ باشید  
شما بروی داخل شوید (۹۸) .

اگر می بودند این معبودان داخل نمی  
شدند به دوزخ و همه ایشان  
آنجا جاویدان باشند (۹۹) .

ایشان را آنجاناله باشد و ایشان آنجا هیچ  
نه شنوند (۱۰۰) .

هر آئینه آنانکه سابقاً مقرر شد برای ایشان  
از جانب مانی کوئی این جماعت از دوزخ  
دور کرده شوند (۱۰۱) .

نه شنوند آواز دوزخ را و ایشان در آنچه  
خواهد نفسهای ایشان جاویدانند (۱۰۲) .

اندوهگین نه سازد ایشان را آن ترس  
بزرگ و پیش آیند ایشان را فرشتگان گویند

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الظَّالِمَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَكْفُرْ اَنْ  
لِّسَعِيهِ وَاِنَّ اَكْبَرُ كَيْبُوتٍ ﴿۹۳﴾

وَ حَرَمٌ عَلٰى قَرِيْبَةٍ اَهْلَكْنَاهَا اَنْهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ﴿۹۴﴾

حَتّٰى اِذَا فُتِحَتْ اَبْوَابُهَا وَاَجَابُوْهُ وَاَجَابُوْهُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ  
حَدَبٍ يَّبْسُوتُوْنَ ﴿۹۵﴾

وَ اَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقِّ فَاِذْ اِجْبَىٰ شَاخِصَةٌ اَبْصَارُ الَّذِيْنَ  
كَفَرُوْا وَاَيُّوْنٰلِنَا قَدْ كُنَّا فِىْ غَفْلَةٍ مِّنْ هٰذَا بَلْ  
كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ﴿۹۶﴾

اِنَّكُمْ وَا مَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ حَصَبٌ جَهَنَّمَ  
اَنْتُمْ لَهَا وِرْدُوْنَ ﴿۹۷﴾

لَوْ كَانَ هٰؤُلَاءِ اِلٰهًا مَا وَّرَدُوْهُمَا وَا كُلٌّ مِنْهَا  
خٰلِدُوْنَ ﴿۹۸﴾

لَهُمْ فِيْهَا زَفِيْرٌ وَّهُمْ فِيْهَا لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿۹۹﴾

اِنَّ الَّذِيْنَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِّنَّا الْحُسْنٰى اُولٰٓئِكَ  
عَنَّا مَبْعُدُوْنَ ﴿۱۰۰﴾

لَا يَسْمَعُوْنَ حَسِيْبَهَا وَّهُمْ فِىْ مَا اَشْتَهَتْ اَنْفُسُهُمْ  
خٰلِدُوْنَ ﴿۱۰۱﴾

لَا يَحْزَنُوْنَهُمْ الْقُرْعَةُ الْاَكْبَرُ وَتَتَلَقَّهُمْ الْمَلٰٓئِكَةُ هٰذَا يَوْمُكُمْ  
الَّذِيْ كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ ﴿۱۰۲﴾

اینست آن روز که شمارا وعده داده می شد (۱۰۳).

روزی که در پیچیم آسمان را مانند پیچیدن طومار وقت نوشتن نامه هارا چنانکه آغازیدیم اول آفرینش را دیگر بار کنیم آفرینش وعده لازم بر ما هر آینه ماکننده ایم (۱۰۴).

وهر آینه نوشتیم در زبور بعد از تورات که زمین وارث آن شوند بندگان شائسته ما<sup>(۱)</sup> (۱۰۵).

هر آینه در آنچه گفته شد کفایت است گروه عابدان را (۱۰۶).

ونه فرستادیم ترا مگر از روی مهربانی بر عالمها (۱۰۷).

بگو جزاین نیست که وحی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما خدای یکتاست پس آیا گردن نهنده هستید (۱۰۸).

پس اگر اعراض کنند پس بگو خبردار ساختیم شمارا بروجهی که همه برابر باشید ونمی دانم که نزدیک است یا دور است آنچه وعده داده میشود (۱۰۹).

هر آینه خدای داند آشکارا از سخن ومی داند آنچه پنهان می کنید (۱۱۰).

ونمی دانم شاید تاخیر موعود ابتلا باشد شمارا وبهره مندی باشد تامدتی (۱۱۱).

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَغَيِّ السَّجِّيلِ لَكُنْتُمْ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ تُعِيدُهُ وَوَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿۱۰۳﴾

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿۱۰۴﴾

إِنَّ فِي هَذَا بَلَاءًا لِّقَوْمٍ غِيْبِينَ ﴿۱۰۵﴾

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۶﴾

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۷﴾

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أَذْرِي أَقْرَبُ أَمَّ بَيْدًا مَّا تَوْعَدُونَ ﴿۱۰۸﴾

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿۱۰۹﴾

وَإِنْ أَذْرِي لَعَلَّهٗ فَبئْسَ لَكُم مَّا تَعَاوَىٰ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۱۱۰﴾

(۱) یعنی در آخر زمان پیغامبری مبعوث شود وامت او بر هر زمین غالب شود والله اعلم.

پیغامبر گفت ای پروردگار من حکم کن  
براستی و پروردگار مابخشائنده است  
ازوی مدد طلب کرده می شود برآنچه  
بیان می کنید (۱۱۲) .

سوره حج منی است و آن هفتادو هشت  
آیت و ده رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

ای مردمان بترسید از پروردگار خویش  
هرآئینه زلزله که نزدیک قیامت باشد  
چیزی بزرگ است (۱) .

روزی که ببینید آن را غافل شود هر شیر  
دهنده از طفلی که شیر می دهدش و بنهد  
هرزنی باردار بارشکم خود را و ببینی مردمان  
را مست و نیستند مست ولیکن عذاب  
خدا سخت است (۲) .

و از مردمان کسی هست که گفتگو می کند  
در شان خدا بغیر دانش و پیروی می نماید  
هر شیطان متمرّد را (۳) .

که در قضای الهی نوشته شده است بروی  
که هر که دوست داری او کند پس وی  
گمراه کندش و راه نمایدش بسوی عذاب  
آتش (۴) .

ای مردمان اگر در شك اید از رستخیز پس  
هرآئینه ما فریدیم شمارا از خاك باز از نطفه  
بازاز خون بسته باز از گوشت پاره  
صورت داده و غیر صورت داده (می  
گوئیم) تا واضح سازیم برای شما و قرار  
می دهیم در رحماها چیزی را که خواهیم  
تامیعا معین باز بیرون می آریم شمارا

قُلْ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ  
عَلَى مَا نَصَّبُونَا ۝



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَىْءٌ عَظِيمٌ ۝

يَوْمَ تَرَوْهَا تَدَاهِلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ  
وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَى  
وَمَا هُمْ بِسُكَرَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللّٰهِ شَدِيدٌ ۝

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُهُ  
كُلَّ شَيْطٰنٍ مُّرِيدٍ ۝

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَاتَّخِذْهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى  
عَذَابِ السَّعِيرِ ۝

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ  
مِّن نَّبَإٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن  
مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِّنُ  
فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ  
نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ إِن يَبْلُغْ أَشُدَّكُمْ وَمِنكُمْ مَّن